

شناخت و ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های حکمروایی شهری از منظر رویکرد مدیریت دانش مطالعه‌ای در کلان‌شهر تبریز

محمدعلی فیروزی^۱، شهرپور روستایی^۲، محمدجواد کاملی‌فر^{۳*}، سعید ملکی^۴

^۱دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،

^۲دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۳دانش آموخته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ایران

^۴استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۵

چکیده

امروزه دانش‌سازی فرایند توسعه، رویکرد نوینی در دستیابی به مدیریت و برنامه‌ریزی پایدار جهت خلق چشم‌انداز پیشرفت در عرصه‌های مکانی-فضایی به شمار می‌رود. این مهم در عصر اطلاعات به عنوان یکی از ملزومات اصلی دستیابی به پایداری در اشکال هدایتگری و تصمیم‌سازی مورد تاکید قرار گرفته است. در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی چگونگی تحقق حکمروایی شهری دانش‌بنیان در کلان‌شهر تبریز است که با دو هدف فرعی شناخت عوامل اصلی دانشی کردن حکمروایی شهری و میزان تأثیر هر یک از عوامل در تحقق این رویکرد دنبال شده است. در این راستا، روش‌شناسی پژوهش «توصیفی - تحلیلی» بوده که از روش پیمایشی به صورت ابزار پرسش‌نامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، کارشناسان رشته‌های مرتبط با امور شهری در دانشگاهها و شهرداری تبریز می‌باشند. جهت تحلیل داده‌ها نیز متناسب با اهداف پژوهش از آزمون‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی و رگرسیون خطی و لگاریتمی در قالب نرم‌افزار AMOS و SPSS استفاده شده است. برابر با نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های پژوهش، اول بر مبنای تحلیل عاملی متغیرهای ۲۵گانه پژوهش و بر مبنای متغیرهای بارگذاری شده، ۵ عامل توانمندسازی دانش مبنای با درصد واریانس ۱۶/۲۵، شفافیت دانش مبنای با درصد واریانس ۱۳/۹۱، خلاقیت دانش مبنای با درصد واریانس ۱۲/۲۹، یادگیری دانش مبنای با درصد واریانس ۱۳/۵۵ و نوآوری دانش مبنای با درصد واریانس ۱۴/۹ و مجموع واریانس جمعی ۰/۷۱ به عنوان شاخص‌های اصلی حکمروایی شهری دانش‌بنیان در کلان‌شهر تبریز شناسایی شدند. دوم با استفاده از رگرسیون خطی و لگاریتمی مشخص شد که "یادگیری دانش مبنای با میزان ۰/۳۸۷ برای رگرسیون خطی و ۰/۳۲۵ برای رگرسیون لگاریتمی و " شفافیت دانش مبنای با میزان ۰/۲۳۸ برای رگرسیون خطی و ۰/۲۴۲ برای رگرسیون لگاریتمی با به‌دست آوردن بالاترین میزان همبستگی چندگانه و سطح معناداری قابل قبول می‌توانند بیشترین تأثیر را در دستیابی به حکمروایی شهری دانش‌بنیان در شهر تبریز داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: حکمروایی شهری، مدیریت دانش‌بنیان، کلان‌شهر تبریز

مقدمه

در دهه‌های اخیر فرآیند شهرنشینی و تبدیل جهان به مکان‌های شهری یک روند غالب شده است (Li et al., 2005; WHO, 2017). طبق آمار دفتر امور

اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۶، بیش از ۵۴/۵ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (United Nations Department of Economic and Social Affairs, 2016). همزمان با چنین افزایشی در فرایند شهرنشینی و شهرگرایی، چالش‌های متعددی متوجه شهرها می‌شود که

*نویسنده مسئول: m.javad_kamelifar@yahoo.com

2001). اصطلاح حکمروایی که از دهه ۱۹۹۰ به بعد به عنوان واژه کلیدی در علوم سیاسی اجتماعی و مطالعات مدیریتی به وفور مورد استفاده قرار گرفت (Kooiman et al., 2008: 78) در حقیقت واکنشی به ساختار سلسله مراتبی، متمرکز و چندپاره بود که ابتدا در دولت‌های دموکراتیک و پلورالیست غربی ظهور کرد (Lieberthal & Lampton, 1992). این رویکرد در بحث تحولات مدیریت شهری به عنوان رویکرد جدیدی است که مدیریت آگاهانه ساختارهای حکومتی با قصد تقویت حوزه‌های عمومی را در بر می‌گیرد (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). در واقع حکمروایی شهری، شکل جدیدی از مدیریت شهری است که در آن قدرت به نوعی مابین بخش دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی تقسیم می‌شود (Huhn and Neuer, 2006). اگرچه حکمروایی شهری به عنوان شکل جدید مدیریت شهری از دهه ۱۹۹۰ به بعد مطرح شد ولی در راستای بهبود عملکرد آن تاکنون مطالعه مدونی صورت نگرفته است.

باید اذعان داشت که شهرهای امروز نتیجه توسعه و رشد تک محور صنعت و تکنولوژی در طول تاریخ است که به نوعی میراث دومین انقلاب جوامع بشری می‌باشد. طی این فرایند از دهه ۱۹۷۰ میلادی تلاش‌های برنامه‌ریزان بیشتر متوجه مشکلات ویژه شهرها شد و با رواج رویکرد جامع توسعه پایدار تا کنون ادامه داشته است و در مسیر چالش‌های تحقق-پذیری، به سومین انقلاب جوامع شهری یعنی فن‌آوری اطلاعات رسیده است. گسترش فن‌آوری‌های نو نیازمند امکانات ارزیابی، پایش و مدیریت استراتژیک توسعه است. این مدیریت استراتژیک تنها با رویکرد جامع مدیریت دانش و نوآوری و پیدایش شهرهای دانش‌بنیان میسر خواهد شد (گروه مهندسان مشاور شهر و منظر، ۱۳۹۵: ۱۹). در همین راستا بیش از یک دهه است که موضوع "دانش" و مدیریت آن تبدیل به مهم‌ترین راهکار رشته‌های مطالعات مدیریتی به منظور حل چالش‌های آن‌ها متناسب با نیازهای عصر جهانی شده است (Foss, 2007: 30). مدیریت دانش که بر سه موضوع اصلی انسان، ساختار و فن‌آوری تأکید

مهم‌ترین این چالش‌ها را می‌توان در فقر شهری (اسکندی ثانی و سجادی، ۱۳۹۳: ۴۹)؛ مهاجرت‌های بدون برنامه و در پی آن رشد پراکنده و نامنظم کالبدی در شهرها (بمانیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷)؛ کاهش منابع توسعه و افزایش تقاضا برای برخورداری از امکانات و تسهیلات مربوط به کیفیت زندگی در شهرها و بروز مسائل و چالش‌های اجتماعی همچون ناهنجاری‌های اجتماعی و کاهش امنیت در شهرها مشاهده کرد (piere, 2014: 866) به نقل از فیروزی و علیزاده، ۱۳۹۶: ۲۶۶). اغلب این مسائل از طریق کاربست سیستم‌های مدیریتی سنتی منسوخ قابل حل و فصل نبوده و به همین دلیل چالش‌های مضاعفی را برای شهرها به ارمغان می‌آورند. برای برخورد صحیح با این چالش‌ها باید راهکارهای نوینی را برای اتخاذ در سیستم شهر و ذی‌نفعان این سیستم به کار بست، به طوری که مسئولیت اداره و ایجاد شهرهای پایدار از طریق ذی‌نفعان این سیستم عملی گردد. از این رو اتخاذ تدابیر مدیریتی جدید برای حل مناسب این چالش‌ها ضروری می‌نماید (Van marissing et al., 2006). از سوی دیگر امروزه با فرایند جهانی‌سازی و گسترش ارتباطات، ظهور نهضت‌های اجتماعی چون جوامع مدنی، بخش‌های خصوصی، فشار و خواست اذهان عمومی و علمی برای ایجاد روند مشارکت‌پذیری نهادهای مدیریتی در تمام سطوح، تعاریف سنتی از روند مدیریت دچار تحول گردیده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۹)، که در این روند دو عامل مهم تأثیرگذار بود. اولی تأثیر تفکر اقتصادی نئولیبرال که طرفدار کاهش نقش دولت تا کمترین حد ممکن بود و دیگری ظهور جامعه مدنی و نهضت‌های اجتماعی که تقاضا برای افزایش مشارکت سیاسی و به نوعی دموکراتیک‌سازی را در امور خواستار بودند (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۵؛ Rakodi, 2003: 524). در همین راستا از اواخر ۱۹۸۰ نظریات غالب مدیریتی یعنی اقتدار تام دولت برای اداره امور جای خود را به دیدگاه‌های تعاملی و مشارکتی داد که نتیجه این تغییر و تحول در مدیریت شهری گذار از حکومت به حکمروایی بود (Rakodi, 2003; Schwab et al.,

افزایش پاسخگویی و مشارکت، تلاش متولیان امور شهری به منظور انتخاب شهر تبریز به عنوان شهر نمونه گردشگری کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۸ در زمینه تحقق اقتصاد پویا و چندبعدی است که می‌تواند به عنوان تلاشی در جهت افزایش کارایی شهری تلقی گردد، عقد قراردادهای خواهرخواندگی با شهرهایی چون استانبول، غزه، باکو، کربلا، گنجه، قازان در زمینه دیپلماسی شهری که باعث افزایش کارایی شهری می‌شود و مسائلی از این دست در راستای تحقق حکمروایی شهری انجام شده است. پر واضح است که علیرغم اقدامات مثبت انجام‌شده، نمی‌توان اذعان کرد که تمامی مؤلفه‌های حکمروایی شهری به نحو مطلوب در این شهر عملیاتی شده‌اند. با توجه به این‌که مدیریت دانش، مهم‌ترین راه‌کار نظریه‌پردازان مدیریتی برای بهبود عملکرد سازمان‌هاست (همانطور که پیش‌تر عنوان گردید)، در این پژوهش سعی گردیده تا راه‌کارهای بهبود عملکرد حکمروایی شهری کلان‌شهر تبریز از منظر رویکرد دانش بنیان مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به موارد یاد شده دو پرسش اصلی پژوهش بدین صورت خواهد بود که ۱- پیش‌ران‌های تبیین‌کننده حکمروایی شهری از دیدگاه رویکرد مدیریت دانش در تبریز کدامند؟ ۲- این پیش‌ران‌ها تا چه میزان می‌توانند در تحقق و بسترسازی حکمروایی شهری دانش‌بنیان در تبریز موثر باشند؟ با توجه به پرسش‌های یاد شده هدف این پژوهش شناسایی پیش‌ران‌های تبیین‌کننده حکمروایی شهری از منظر رویکرد مدیریت دانش در کلان‌شهر تبریز و همچنین میزان اثر بخشی آنها در تحقق این رویکرد در قالب حکمروایی شهری در کلانشهر تبریز است.

چارچوب مفهومی پژوهش: تغییر و تحول در مدیریت دولتی، جنبشی جهانی است که هدف مشترک آن کاهش هزینه و اندازه دولت است، درحالی‌که در عین حال در پی بهبود محتوا و خدمات ارائه شده توسط دولت نیز می‌باشد (McNabb, 2009: 3). در سطوح محلی نیز هم‌زمان با مشکلات عدیده شهرها، امروزه چالش‌های جدیدی گریبان‌گیر مدیریت

دارد، سعی دارد تا با ایجاد ساختار مناسب و زیرساخت‌های فن‌آوری لازم در سازمان و با محور قرار دادن انسان، با تولید و استفاده صحیح از منابع دانش به اهداف سازمانی دست یابد (ایزدیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶). همچنان که مطالعات اخیر در زمینه توسعه شهری، در حال افزایش توجه به اهمیت خلق دانش، انتشار دانش و کاربرد دانش و اطلاعات است (McFarlane 2011; McCann and Ward, 2011; Campbell 2012)، مبنای منطقی توسعه و تبدیل شهرها به شهرهای دانایی‌محور به صورت گسترده مورد توافق شمار زیادی از پژوهشگران، تصمیم‌سازان پیشروان و توسعه‌دهندگان قرار گرفته است (Carrillo, 2004; Van winden et al., 2007; Yigitcanlar et al, 2008). اهمیت کاربست مدیریت دانش برای سازمان‌ها کاملاً آشکار و غیر قابل بحث است (Donate & Sánchez de Pablo, 2015). دانش یک منبع استراتژیک کلیدی است که اگر درست مدیریت شود به سازمان‌ها امکان کارایی بیشتر می‌دهد (DeCarolis, 2009; Zack et al., 1999; & Deeds). در همین راستا اگر متولیان امور شهری را به عنوان سازمان‌هایی در نظر بگیریم که همراه دیگران ذی‌نفعان از جمله: جامعه مدنی و بخش خصوصی شهر را اداره می‌کنند (Kedogo et al., 2010) اهمیت مدیریت دانش برای افزایش کارایی آنها مشخص می‌گردد. این مقوله زمانی مهم‌تر می‌نماید که مشخص شود طبق تحقیقات هورجیک و باود^۱ در سال ۲۰۰۶، اکثریت قریب به اتفاق علوم و دانشی که توسط دانشگاهها، سازمان‌های مردم‌نهاد و خصوصی تولید می‌شود، حتی به پشت میز مدیران دولتی نمی‌رسد که این مسئله از طریق مدیریت دانش حل شدنی است.

کلان‌شهر تبریز به تبع نظام مدیریتی کشور از وجود ساختار سلسله‌مراتبی و متمرکز رنج می‌برد که این امر لزوم تحول در مدیریت شهری تبریز را از طریق کاربست مؤلفه‌های حکمروایی شهری آشکار می‌کند. برای این منظور در سال‌های اخیر اقدامات مثبتی از جمله راه‌اندازی سامانه ۱۳۷ در جهت

برجستگی بیشتری داشته است به طوری که تلاش‌های زیادی در این مدت برای عملیاتی‌شدن این رویکرد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری از سوی نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، سازمان اسکان بشر و سازمان‌های مشابه صورت گرفته است. به این ترتیب، حکمروایی به‌عنوان پارادایمی نو در برابر حکومت، نوعی بازی چانه‌زنی چند سطحی و چند نقشی است که با الگوهای مدیریت سنتی کاملاً متفاوت است. روند تحول از حکومت به حکمروایی شهری موجب تقویت حکومت‌های محلی و بازساخت ساختار اداری و سیاسی کشورها گردیده و زمینه‌های مشارکت هرچه بیشتر مردم و بخش خصوصی را در هدایت و مدیریت تحولات شهری فراهم می‌نماید (لشکری و خلج، ۱۳۹۲: ۲). در جدول ۱ تفاوت‌های نگرشی این دو مقوله را می‌توان مشاهده کرد.

شهری است که در کنار روند شتابان افزایش جمعیت و تقاضا برای منابع و خدمات، لزوم تأمل و تغییر را در نوع مناسبات با مردم و محیط ضروری ساخته است (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸: ۵۶). مقوله‌ای که نیازمند بازبینی و تحول در روابط و ساختارهاست، نگاه جدید به مسائل و چالش‌ها و نحوه حل آنها و همچنین نحوه مواجهه و ارتباط با بازیگران مختلف عرصه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرهاست (Haus and Klausen, 2010: 257). در همین راستا در دهه‌های اخیر در نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطوح مختلف (فراملی، ملی، منطقه‌ای و محلی) شاهد دگرگونی‌هایی هستیم که نشان‌دهنده تغییر پارادایم عمده‌ای در این زمینه است. براساس پارادایم جدید دیگر دولت‌ها، چه مرکزی و چه محلی، تنها بازیگر نقش‌آفرین در عرصه نظام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت به حساب نمی‌آیند. این تغییر پارادایم در سطح محلی

جدول ۱: حکومت و حکمروایی، رهیافت‌ها و نگرش‌ها

مولفه‌ها	حکومت	حکمروایی
بازیگران	تعداد بسیار محدود مشارکت‌کنندگان عوامل اجرایی اساساً دولتی	کثرت مشارکت‌کنندگان جامعه مدنی و بخش خصوصی به عنوان بازیگران اصلی
کارکردها	مشاوره‌ای صورت نمی‌گیرد هیچ همکاری در طرح بندی سیاست‌ها و تصمیم سازی وجود ندارد	مشاوره و نظرخواهی از ذی‌نفعان تعامل و همکاری در تصمیم سازی و تصمیم‌گیری‌ها
ساختار	مرزهای بسته عضویت غیر ارادی تعیین از طرف هرم قدرت	مرزهای باز عضویت ارادی و داوطلبانه مشارکت به عنوان یک مسئولیت
روابط متقابل	اقتدار سلسله‌مراتبی مناسبات تنش‌گرا-متضاد عدم شفافیت	انعطاف‌پذیری و خود اصلاحی روابط همکاری و همیاری نگر شفافیت در چرخه‌ها و جریان‌ها
توزیع قدرت	تسلط و رویکرد اقتدارمآبانه دولت گروه‌های اجتماعی نقشی در دولت ندارند هیچگونه تعامل ارتباطی، اطلاعاتی و مشارکتی بین نقش‌آفرینان وجود ندارد	آزادی عمل کمتر دولت وجود تعامل و همزیستی بین بازیگران اصلی سیستم نفوذ پراکنده ذی‌نفعان و تصمیم‌سازان

منبع: (Schwab et al., 2001; علیزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

بخش‌های مختلف جامعه تأکید دارد که ورای حکومت است (Kraas et al., 2014)؛ بنابراین حکمروایی شهری به تعامل پویای سازمان‌های دولتی و نیروهای بازار از

یکی از اهداف اساسی این تغییر و تحولات تمرکززدایی بود (Obeng-Odoom, 2012: 207). تمرکز زدایی از طریق حکمروایی شهری بر همکاری

پایدار نخواهند بود، اما هر شهر دانش‌بنیان، شهری هوشمند خواهد بود که فن آوری‌های نوین با مدیریت دانش و نوآوری، متضمن اهداف توسعه پایدار خواهند شد (گروه مهندسان مشاور شهر و منظر، ۱۳۹۵: ۱۹). در همین راستا بیش از یک دهه است که موضوع "دانش"، تبدیل به تمام هم و غم بسیاری از رشته‌های مطالعات مدیریتی شده است (Foss, 2007: 30) ولی این موضوع در مطالعات شهری به خصوص در ایران، مبحث نسبتاً جدیدی است که کمتر به آن پرداخته‌اند و چگونگی تعبیه دانش در همه ابعاد مدیریت، توسعه و برنامه‌ریزی شهری کاملاً مبهم است (روستایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). شناخت دانش به عنوان یک منبع سازمانی، نظریه‌های رشد و نیز ظهور سازمان‌های دانش‌بنیان، همگی کمک کردند تا حوزه جدیدی از مدیریت دانش در نظام‌های اطلاعاتی به وجود آید. این پیشرفت‌ها نشان می‌دهد که دانش در شکل‌های مختلف، دارایی و سرمایه‌ای انسانی است و سرمایه‌گذاری در آن مستقیم به کالاها و خدمات یا فن آوری بالا منجر می‌شود (حقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲). در واقع مدیریت دانش مبحثی است که در آن یک سازمان آگاهانه و به طور فراگیر دانش خود را به صورت منابع، اسناد و مهارت‌های انسانی جمع‌آوری و سازماندهی می‌کند، به اشتراک می‌گذارد و تجزیه و تحلیل می‌نماید (Wiig, 1999: 1).

یک‌سو و نهادهای اجتماعی از سوی دیگر تاکید دارد (Fu, 2018: 2). حکمروایی شهری که به عنوان فرآیندی برای ایجاد همکاری در تصمیم‌سازی‌های سیاسی تجویز می‌شد فقط به دنبال ارزیابی همکاری ذی‌نفعانی نبود که سیاست‌های شهری را شکل می‌دادند، بلکه به دنبال ارائه دیدگاههایی درباره کیفیت اداره شهر نیز بود (Zielke and Waibel, 2014: 100) که به عنوان اثربخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوهی مدیریت شهری مطرح می‌باشد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۵). بنابراین حکمروایی شهری رویکردی نو در حوزه مدیریت شهری است که با تلفیق مقوله دانش و مولفه‌های دانش‌بنیان در آن می‌توان راهکاری نو در برابر حل معضلات شهرها به خصوص در کلان‌شهرها ارائه داد. چنانچه دو رکن اصلی یک شهر دانش‌بنیان را زیرساخت‌ها و پردازش داده‌ها بدانیم به این ترتیب ارزش افزوده در ارتقاء کیفیت زیست شهری، توسعه زیرساخت‌ها و توسعه خدمات تلقی می‌گردد. با چنین رویکردی شهرهای دانش‌بنیان، شهرهای پایدار هوشمندی‌اند که علاوه بر سه لایه کالبد مصنوعی، اجتماع و محیط زیست طبیعی، دارای لایه‌های فضاهای مجازی یا دیجیتالی هستند. در یک جمع بندی، از آنجایی که هر توسعه‌ای توسعه پایدار محسوب نمی‌گردد، شهرهای هوشمند به تنهایی ضامن توسعه

جدول ۲: طبقه‌بندی رویکردهای مدیریت دانش

دیدگاه	توضیحات
دیدگاه کسب و کار	مدیریت دانش نوعی فعالیت تجاری است که دو جنبه اصلی را دربرمی‌گیرد: ۱. توجه به عنصر دانش فعالیت‌های کسب و کار به عنوان جزء آشکار کسب و کار که در استراتژی، خط‌مشی و رویه، در همه سطوح سازمان منعکس می‌شود. ۲. ایجاد رابطه مستقیم بین سرمایه‌های فکری و نتایج مثبت کسب و کار، از همین دیدگاه، مدیریت دانش نوعی رویکرد تلفیقی و همکارانه برای خلق، کسب سازماندهی، دسترسی و استفاده از سرمایه‌های فکری سازمان است.
دیدگاه علم شناختی یا علم دانش	دانش - بینش‌ها، ادراک و دانش فنی کاربردی - منابع اساسی هستند که به ما امکان می‌دهند هوشمندانه عمل کنیم. در طول زمان، دانش مهم در همه سازمان‌ها و به طور کلی در جامعه به اشکال دیگری مانند کتاب، فناوری، رویه و سنت، تبدیل می‌شود. این تغییر شکل‌ها به انباشت تجربه منجر شده و وقتی به طور مناسب استفاده شود، به افزایش اثربخشی می‌انجامد. دانش یکی از عوامل اصلی است که رفتار هوشمندانه شخصی، سازمانی و اجتماعی را ممکن می‌کند.
دیدگاه فرایند- فناوری	مدیریت دانش مفهومی است که بر اساس آن اطلاعات به دانش قابل کاربرد تبدیل شده و با تلاشی اندک، برای افرادی قابل استفاده می‌شود.

منبع: (نجفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴۲)

مدیریت شهری تغییر داده است. در این پژوهش حکمروایی شهری از طریق مؤلفه‌های مبتنی بر رویکرد دانش مورد ارزیابی قرار گرفته است که این فرآیند به صورت شناخت مولفه‌های بنیانی آن تحت عنوان "شفافیت"، "کارایی"، "پاسخگویی"، "خلاقیت" و "مشارکت" در قالب رویکرد دانشی سازی آن‌ها به صورت "یادگیری دانش مبنا"، "شفافیت دانش مبنا"، "توانمندسازی دانش مبنا"، "خلاقیت دانش مبنا" و "نوآوری دانش مبنا" بروز یافته است.

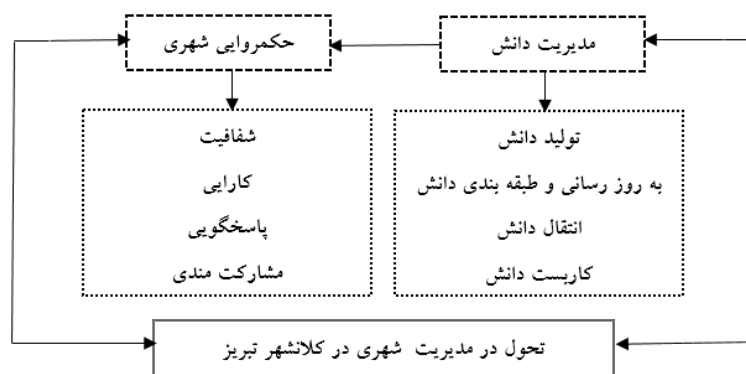
مدیریت دانش: مدیریت دانش مبحثی است که در آن یک سازمان آگاهانه و به طور فراگیر دانش خود را به صورت منابع، اسناد و مهارت‌های انسانی جمع‌آوری و سازماندهی می‌کند، به اشتراک می‌گذارد و تجزیه و تحلیل می‌نماید. در این پژوهش، مدیریت دانش بر مبنای شاخص‌های بنیانی آن یعنی "تولید دانش"، "به روز رسانی و طبقه‌بندی دانش"، "انتقال دانش" و "کاربست دانش" به منظور کاربست آن در رویکرد حکمروایی شهری در قالب مدل تحلیلی پژوهشی به صورت شاخص‌های "یادگیری دانش مبنا"، "شفافیت دانش مبنا"، "توانمندسازی دانش مبنا"، "خلاقیت دانش مبنا" و "نوآوری دانش مبنا" شناسایی شده است.

بنابراین مدیریت دانش افزایش کارایی سازمان‌ها را تضمین کرده و آنها را در فضای رقابتی پویا نگه می‌دارد (Muthuveloo et al., 2017: 2). در جدول ۲ دسته‌بندی رویکردهای مدیریت دانش برگرفته از پژوهش‌ها در سه دیدگاه شامل دیدگاه‌های کسب و کار، علم‌شناختی یا علم دانش و فرایند - فن‌آوری خلاصه شده است.

در راستای همین مفاهیم، از آنجا که رویکرد حکمرانی شهری در راستای ایجاد یکپارچگی عملکردی و عدم تفرق منافع مابین ذی‌نفعان و منابع قدرت در شهرها نقشی اساسی دارند، می‌تواند با تجهیز شدن به مقوله دانش، بسیاری از چالش‌های موجود در گستره فضایی کلان‌شهرها را که علاوه بر عدم یکپارچگی عملکردی صاحبان قدرت و تصمیم‌گیری، شامل توسعه ناموزون فضایی در کلان‌شهرهاست را در برگیرد و راهکاری پایدار برای حل این چالش‌ها قلمداد گردد. در شکل یک مدل مفهومی نظری پژوهش آمده است.

تعاریف عملیاتی مفاهیم اصلی پژوهش

حکمروایی شهری: حکمروایی شهری شکل جدیدی از مدیریت شهری است که ساختارهای سنتی را در راستای ارتقاء بنیان‌های مشارکتی و انعطاف‌مند در



شکل ۱: مدل مفهومی نظری پژوهش

توسعه فضایی شهرها را در قالب رهیافت‌های دموکراتیک، شفاف و به دور از حجم توده‌ای جهت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سوق دهد. توجه به

حکمروایی شهری به عنوان ساختار جدید توانسته است رویکردهای سنتی و متمرکز مدیریت توسعه شهری را کنار زده و اعمال قدرت و تصمیم‌سازی برای

است. برای گردآوری داده‌های توصیفی از اسناد کتابخانه‌ای و مراجع معتبر در باب موضوع مورد مطالعه و برای گردآوری داده‌های بخش تحلیلی پژوهش از روش پیمایشی به صورت ابزار پرسش‌نامه استفاده گردیده است. برای دستیابی به اهداف پژوهش ۲۵ متغیر مرتبط با حکمروایی شهری از منظر دیدگاه دانش بنیان از منابع معتبر در این زمینه گردآوری و در قالب پرسش‌نامه ۵ گزینه‌ای (به صورت طیف لیکرت و به شکل کاملاً مناسب تا کاملاً نامناسب)، جهت پاسخگویی به جامعه نمونه پژوهش که ۱۰۰ نفر از کارشناسان شهرداری تبریز و اساتید دانشگاه در رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی، مدیریت شهری بوده‌اند ارائه گردید. جهت تحلیل داده‌های پژوهش، متناسب با اهداف تعریف شده پژوهش، از آزمون‌های تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون رگرسیون خطی و لگاریتمی در قالب نرم‌افزار AMOS و SPSS استفاده شده است.

پیش‌ران‌های تبیین‌کننده این رویکرد به‌مانند شفافیت، کارایی، پاسخگویی، مشارکت‌مندی، اثربخشی، عدالت و سایر پیش‌ران‌ها که توسط مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل و بانک جهانی و یا توسط سایر محققان نشان از اهمیت این رویکرد به عنوان تغییر ساختاری اثربخش در حوزه مدیریت شهری است. در این راستا با توجه به فراگیری توسعه و تحولات مبتنی بر دانش در عصر جهانی‌سازی، بدیهی است که این تغییر ساختاری با تجهیز به رویکردهای دانشی می‌تواند اثربخشی دوچندانی از خود در بستر مورد استفاده به منصفه ظهور برساند. پر واضح است که شناخت و تبیین پیش‌ران‌ها یا مؤلفه‌های حکمروایی شهری در جامعه رویکرد دانشی و مدیریت دانش می‌تواند بستر مناسبی در جهت برنامه‌ریزی برای اقدام در راستای تحقق آن باشد.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش کاربردی با روش‌شناسی «توصیفی-تحلیلی» به انجام رسیده



شکل ۲: مدل مفهومی فرایند انجام پژوهش

سنجش پایایی پرسش‌نامه پس از انجام عمل پیش آزمون از طریق فرمول کرونباخ^۲ در قالب نرم‌افزار SPSS اقدام گردید. نتایج به‌دست آمده از مرحله آزمون پایایی سازه‌های پژوهش با به‌دست آمدن میزان

تأمین قابلیت اعتماد سازه‌های تحقیق: در این مرحله اقدام به تعیین روایی و پایایی پرسش‌نامه و سازه‌های تشکیل‌دهنده آن گردید. برای سنجش و اطمینان از روایی ابزار پژوهش از نظرات ۱۵ نفر از کارشناسان منتخب پژوهش استفاده گردید^۱ و برای

مدیریت شهری و شهرسازی ارسال شد که ۱۵ نفر پاسخگو بوده و روایی متغیرهای پژوهش را جهت انجام تحقیق تأیید نمودند.

2. Corenbach alpha

۱. شایان ذکر است که جدول مربوط به متغیرهای پژوهش در ابتدا به ۲۵ نفر از اساتید دانشگاه در رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری،

2010; Haghshenas & Vaziri, 2012; Foss, 2007; Yigitcanlar & Lönnqvist, 2013; Pemsal et al., 2014; Donate & Sánchez de Pablo, 2015; Pemsal et al., 2016; Barão et al., 2017) که پس از انتخاب و نظرسنجی از کارشناسان منتخب پژوهش در مرحله روایی سازه‌ها، ۲۵ متغیر جهت انجام آزمون مورد تأیید و تحلیل قرار گرفتند. جدول ۱ متغیرهای ۲۵ گانه پژوهش را نشان می‌دهد.

۰/۷۴ آلفای کرونباخ، متغیرهای مطرح‌شده را برای ارزیابی آنها در قالب این پژوهش تأیید کرد.

متغیرهای ارزیابی حکمروایی شهری از منظر رویکر دانش‌بنیان: جهت ارزیابی حکمروایی شهری از منظر دیدگاه دانش‌بنیان، اقدام به گردآوری متغیرهای مرتبط در این زمینه با استفاده از مراجع و اسناد معتبر گردید (UN-habitat 2004; Hull, 2008; May et al., 2008; Lindholm, 2010; Litman,

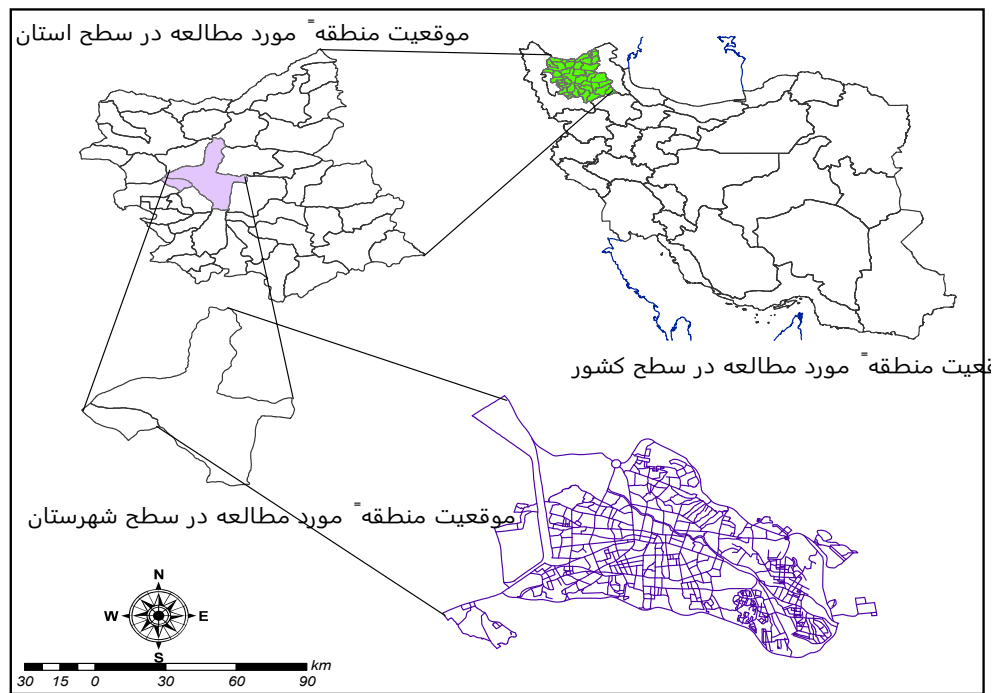
جدول ۳: متغیرهای پژوهش

ایجاد مدل‌های مبتنی بر علوم و فنون جدید برای تسهیل در آگاهی شهروندان و سایر بخش‌های ذی‌نفع شهری از فرایند انتخاب مدیران شهری	سهم هزینه‌ها و درآمدهای ناشی از انتشار رویکردهای دانش بنیان در تعالی عملکرد مدیریت شهری
خلق مدل‌ها و چهارچوب‌های مبتنی بر دانش و اطلاعات جهت شفاف‌سازی و تخصیص هزینه‌ها و درآمدهای مدیریت شهری	بسترسازی چارچوب‌های تسریع‌کننده یادگیری و نشر دانش جهت ارتقای دانش جامعه شهروندی
خلق الگوها و بسترهای مبتنی بر دانش و اطلاعات جهت آگاهی شهروندان و سایر بخش‌های ذی‌نفع شهری از قوانین و مقررات و این نامه‌های شهری	توانمندسازی منابع انسانی از طریق یادگیری و نشر رویکردهای نوین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات
توانایی ایجاد مدل‌های مبتنی بر دانش جهت پاسخگویی به چالش‌های شهری و انتقادات جامعه شهری در مواقع بحرانی	تحصیل و یادگیری دانش مبتنی بر علوم جدید در جهت مشارکت با جامعه شهری برای مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای شهر
ایجاد بسترهای مبتنی بر دانش برای مشارکت حداکثری مردم در حل معضلات شهری	سرانه هزینه‌های مربوط به تحقیق و توسعه در مدیریت شهری
ایجاد دانش مبتنی بر حل مسئله از طریق مشارکت نهادهای علمی و تحقیقاتی با مدیریت شهری به منظور در فرایند رشد و توسعه شهری	تلاش برای یادگیری و نشر رویکردهای دانشی جدید به منظور آگاهی نهادها و جامعه شهری از تغییرات قوانین و این نامه‌های شهری
اصلاح ساختارهای ارتباطی مدیریت شهری با جامعه شهری و بخش‌های خصوصی بر مبنای رویکردهای جدید دانش‌بنیان	تلاش برای یادگیری و نشر رویکردهای دانش‌بنیان مبتنی بر حل مسئله از طریق مشارکت مدیریت شهری، جامعه شهروندی و بخش خصوصی
طبقه‌بندی و به‌روزرسانی رویکردهای دانش بنیان جهت پاسخگویی بهتر و کارآمدتر در حل مسائل و نیازهای شهری	به‌کارگیری رویکردهای مبتنی بر فن‌آورهای اطلاعات و ارتباطات در فرایند مدیریت شهری
اتخاذ رویکردی جهت به‌کارگیری منابع انسانی آشنا با فرایند طبقه‌بندی، ذخیره‌سازی و روزآمد کردن دانش‌های مرتبط با رشد و توسعه شهری	اندازه‌بخش خدمات شهری دانش محور در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه شهری
کارایی در تشخیص رویکردهای دانش بنیان نو نسبت به ساختارهای سنتی جهت حل بهتر مسائل شهری	ایجاد انگیزه مشارکت در تمامی تهادهای شهری برای تحصیل دانش در جهت مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای شهری
به‌روز رسانی و طبقه‌بندی اطلاعات متکی بر دانش جهت کمک به اصلاح ساختارهای متمرکز به سمت ساختارهای مشارکتی	سرانه به‌کارگیری افراد متخصص و مجهز به دانش جدید در فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در مدیریت شهری
ارتباط مشارکتی با مقاصد منابع دانشی جدید جهت به‌روز رسانی کارآمد و دقیق متناسب با تحولات جدید مدیریت جهانی شهرها	حمایت از به‌کارگیری ایده‌ها و اختراعات و نوآوری‌های مبتنی بر علم و دانش در حل مسائل و نیازهای شهری
به‌کارگیری سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید در جهت بهبود ارتباطات دوسویه مدیریت شهری با جامعه شهروندی و بخش خصوصی	

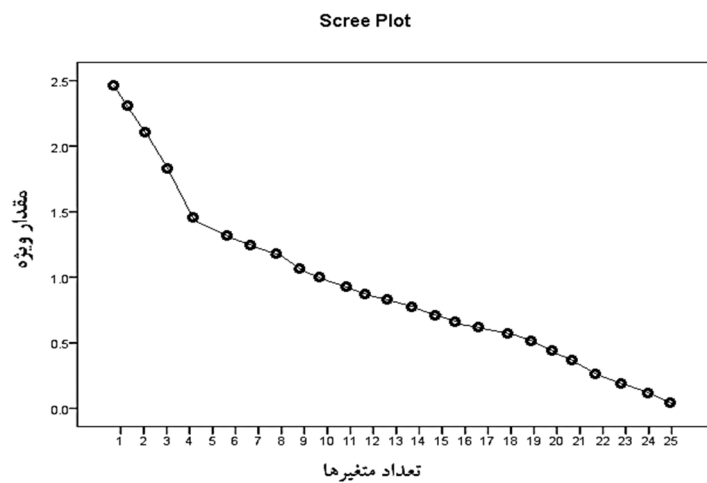
منبع: جمع‌بندی و مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۶

معرفی قلمرو جغرافیایی تحقیق: تبریز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر بزرگترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. براساس نتایج آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، کلانشهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۷۷۳۰۳۳ از ده منطقه شهرداری تشکیل شده است. در بین این مناطق ده گانه، منطقه نه، در حال حاضر خالی از سکنه می‌باشد. هدف از ایجاد شهرداری منطقه نه، بهبود وضعیت پروژه‌های عمرانی شهرداری تبریز نظیر شهرک‌های آذران و خاوران در خارج از محدوده حوزه استحفاظی این شهرداری می‌باشد (پایگاه اطلاع رسانی شهرداری تبریز، ۱۳۹۰).

موقعیت منطقه مورد مطالعه در سطح استان



شکل ۳: موقعیت شهر تبریز در سطح کشور، استان و شهرستان یافته‌های پژوهش



شکل ۳: نمودار عوامل مستخرج از متغیرهای ۲۵ گانه به وسیله تکنیک تحلیل عاملی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

همان‌طور که از شکل ۳ مشاهده می‌شود، از بین ۲۵ متغیر منتخب پژوهش ۵ عامل توسط تکنیک تحلیل عاملی مشخص گردیده‌اند که ۵ عامل یاد شده مطابق با جدول ۳، ۰/۷۱ از واریانس داده‌ها را تبیین می‌کنند و این در گام اول به معنای رضایت بخش بودن انتخاب و تحلیل متغیرهاست.

جهت شناسایی عوامل و یا شاخص‌های اصلی دخیل در حکمروایی شهری از منظر رویکرد دانش‌بنیان، متغیرهای ۲۵ گانه پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی در قالب نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند که سعی در شناسایی عامل‌های اساسی به منظور تبیین الگوی همبستگی بین متغیرهای پژوهش را دارد.

جدول ۲: تحلیل عاملی تعیین عامل‌ها، مقدار ویژه و میزان واریانس تبیینی متغیرهای پژوهش

تعداد عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۳/۷۰	۱۶/۲۵	۱۶/۲۵
عامل دوم	۳/۶۴	۱۳/۹۱	۳۰/۱۶
عامل سوم	۳/۳۹	۱۲/۳۹	۴۲/۵۵
عامل چهارم	۳/۵۷	۱۳/۵۵	۵۶/۱۰
عامل پنجم	۳/۶۸	۱۴/۹	۰/۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

اساس میزان همبستگی بدست آمده برای هر کدام از آنها در تحلیل عاملی داده‌هاست که در این بین متغیرهای با میزان همبستگی بالای ۰/۵ بارگذاری شده، یک عامل را تشکیل می‌دهند.

با توجه به عامل‌های مشخص شده، در مرحله بعد به تحلیل متغیرهای بارگذاری شده در هر کدام از عوامل با توجه به میزان همبستگی به دست آمده از آنها گردید. مبنای انتخاب متغیرهای بارگذاری شده بر

جدول ۳: متغیرهای بارگذاری شده در عامل اول

میزان آلفا	بار عاملی	انحراف از معیار	میانگین	متغیرهای شناسایی شده
	۰/۶۰۱	۰/۷۴۹	۴/۰۶	ایجاد دانش مبتنی بر حل مساله از طریق مشارکت نهادهای علمی و تحقیقاتی با مدیریت شهری در فرایند رشد و توسعه شهری
	۰/۵۰۳	۰/۸۸۳	۲/۹۲	بسترسازی چارچوب‌های تسریع‌کننده یادگیری و نشر دانش جهت ارتقای دانش جامعه شهروندی
	۰/۵۸۳	۰/۷۳۳	۳/۶۳	اتخاذ رویکردی جهت به کارگیری منابع انسانی آشنا با فرایند طبقه‌بندی، ذخیره‌سازی و روزآمد کردن دانش‌های مرتبط با توسعه شهری
	۰/۶۱۴	۰/۶۰۹	۴/۴۵	توانایی ایجاد مدل‌های مبتنی بر دانش جهت پاسخگویی به چالش‌های شهری و انتقادات جامعه شهری در مواقع بحرانی
	۰/۵۶۳	۰/۷۱۳	۳/۵۸	ایجاد بسترهای مبتنی بر دانش برای مشارکت حداکثری مردم در حل معضلات شهری
	۰/۵۶۰	۰/۷۴۱	۳/۵۸	اندازه بخش خدمات شهری دانش محور در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه شهری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

۳ می‌توان چنین استنباط کرد که عامل اول عمدتاً در راستای توانمندی سازمانی مدیریت شهری در قالب

با توجه به متغیرهای بارگذاری شده بر مبنای میزان بار عاملی و آلفای پایایی به دست آمده در جدول

و تحقیقاتی با مدیریت شهری در فرایند رشد و توسعه شهری " و همچنین "اتخاذ رویکردی جهت به کارگیری منابع انسانی آشنا با فرایند طبقه بندی، ذخیره سازی و روزآمد کردن دانش های مرتبط با توسعه شهری" نشان می دهد که توانمندسازی مبتنی بر دانش می تواند مؤلفه ای راهبردی در تحقق حکمروایی شهری دانش بنیان در فرایند مدیریت شهری کلان شهر تبریز به عنوان یک خط مشی راهبردی قلمداد گردد.

رویکرد حکمروایی شهری با پذیرش مؤلفه دانش تفسیر می گردد. در این بین بر اساس میزان میانگین کسب شده و بار عاملی به دست آمده، " توانایی ایجاد مدل های مبتنی بر دانش جهت پاسخگویی به چالش های شهری و انتقادات جامعه شهری در مواقع بحرانی" دارای بیشترین میزان گرایش برای توانمندسازی دانش مبنا در الگوی حکمروایی شهری برای مدیریت شهری کلان شهر تبریز است. عطف به سایر پیشران های تبیین کنند مانند " ایجاد دانش مبتنی بر حل مسئله از طریق مشارکت نهادهای علمی

جدول ۴: متغیرهای بارگذاری شده در عامل دوم

میزان آلفا	بار عاملی	انحراف از معیار	میانگین	متغیرهای شناسایی شده	۳ ۲ ۱
	۰/۵۸۹	۰/۷۵۰	۳/۶۸	سهم هزینه ها و درآمدهای ناشی از انتشار رویکردهای دانش بنیان در تعالی عملکرد مدیریت شهری	
	۰/۶۰۸	۰/۷۶۶	۴/۰۹	ارتباط مشارکتی با مقاصد منابع دانشی جدید جهت به روز رسانی کارآمد و دقیق متناسب با تحولات جدید مدیریت جهانی شهرها	
	۰/۵۹۱	۰/۶۸۷	۳/۸۵	تلاش برای یادگیری و نشر رویکردهای دانش بنیان مبتنی بر حل مسئله از طریق مشارکت مدیریت شهری، جامعه شهروندی و بخش خصوصی	
	۰/۶۲۷	۰/۷۴۹	۴/۸۰	خلق مدل ها و چهارچوب های مبتنی بر دانش و اطلاعات جهت شفاف سازی و تخصیص هزینه ها و درآمدهای مدیریت شهری	
	۰/۵۹۰	۰/۷۸۲	۳/۷۹	ایجاد مدل های مبتنی بر علوم و فنون جدید برای تسهیل در آگاهی شهروندان و سایر بخش های ذی نفع شهری از فرایند انتخاب مدیران شهری	

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

جدول ۵: متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم

میزان آلفا	بار عاملی	انحراف از معیار	میانگین	متغیرهای شناسایی شده	۳ ۲ ۱
	۰/۵۶۰	۰/۷۶۶	۳/۵۹	توانمندسازی منابع انسانی از طریق یادگیری و نشر رویکردهای نوین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات	
	۰/۵۴۱	۰/۸۶۲	۳/۳۸	کارایی در تشخیص رویکردهای دانش بنیان نو نسبت به ساختارهای سنتی جهت حل بهتر مسائل شهری	
	۰/۵۲۸	۰/۹۱۹	۳/۲۷	سرانه به کارگیری افراد متخصص و مجهز به دانش جدید در فرایند تصمیم سازی و سیاست گذاری در مدیریت شهری	
	۰/۵۲۴	۰/۶۰۹	۳/۱۵	ایجاد انگیزه مشارکت در تمامی تهادهای شهری برای تحصیل دانش در جهت مواجه با فرصت ها و تهدیدهای شهری	
	۰/۵۵۹	۰/۶۴۰	۳/۵۶	اصلاح ساختارهای ارتباطی مدیریت شهری با جامعه شهری و بخش های خصوصی بر مبنای رویکردهای جدید دانش بنیان	

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۶

شهروندی و بخش خصوصی " نشان می‌دهد که شفافیت دانش مبنا می‌تواند به عنوان مؤلفه‌ای تاثیرگذار در تحقق حکمروایی شهری دانش‌بنیان در فرایند مدیریت شهری کلانشهر تبریز ملاحظه شود. یافته‌های پژوهش در جدول ۵ نشان می‌دهد که متغیرهای بارگذاری شده در عامل سوم بیشتر به خلاقیت دانش مبنا اشاره دارد و ۵ متغیر بارگذاری شده بار عاملی بالای ۰/۵ درصد را برای این عامل نشان می‌دهند. در میان متغیرهای این عامل، متغیر "توانمندسازی منابع انسانی از طریق یادگیری و نشر رویکردهای نوین مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات" با میزان بار عاملی ۰/۵۶۰ بیشتر از سایر متغیرها به خلاقیت دانش مبنا در الگوی حکمروایی شهری برای مدیریت شهری کلانشهر تبریز گرایش دارد.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که عامل دوم عمدتاً به شفافیت دانش مبنا مربوط است. در این بین بر اساس میزان میانگین کسب شده و بار عاملی به‌دست آمده، "خلق مدل‌ها و چهارچوب‌های مبتنی بر دانش و اطلاعات جهت شفاف‌سازی و تخصیص هزینه‌ها و درآمدهای مدیریت شهری" دارای بیشترین میزان گرایش برای کارآمدی دانش مبنا در الگوی حکمروایی شهری برای مدیریت شهری کلانشهر تبریز است. با توجه به سایر پیش‌ران‌های تبیین‌کننده مانند "ارتباط مشارکتی با مقاصد منابع دانشی جدید جهت به روزرسانی کارآمد و دقیق متناسب با تحولات جدید مدیریت جهانی شهرها" و همچنین "تلاش برای یادگیری و نشر رویکردهای دانش‌بنیان مبتنی بر حل مسئله از طریق مشارکت مدیریت شهری، جامعه"

جدول ۶: متغیرهای بارگذاری شده در عامل چهارم

میزان آلفا	بار عاملی	انحراف از معیار	میانگین	متغیرهای شناسایی شده	۳ ۴ ۵
	۰/۵۵۱	۰/۷۱۵	۳/۴۵	تحصیل و یادگیری دانش مبتنی بر علوم جدید در جهت مشارکت با جامعه شهری برای مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای شهری	
	۰/۵۰۴	۱/۰۱	۲/۹۸	ایجاد انگیزه مشارکت در تمامی تهاذهای شهری برای تحصیل دانش در جهت مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای شهری	
	۰/۵۹۲	۰/۷۰۹	۳/۸۹	طبقه‌بندی و به روزرسانی رویکردهای دانش‌بنیان جهت پاسخگویی بهتر و کارآمد تر در حل مسایل و نیازهای شهری	
	۰/۵۹۸	۰/۷۴۴	۳/۹۷	به‌کارگیری رویکردهای مبتنی بر فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در فرایند مدیریت شهری	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

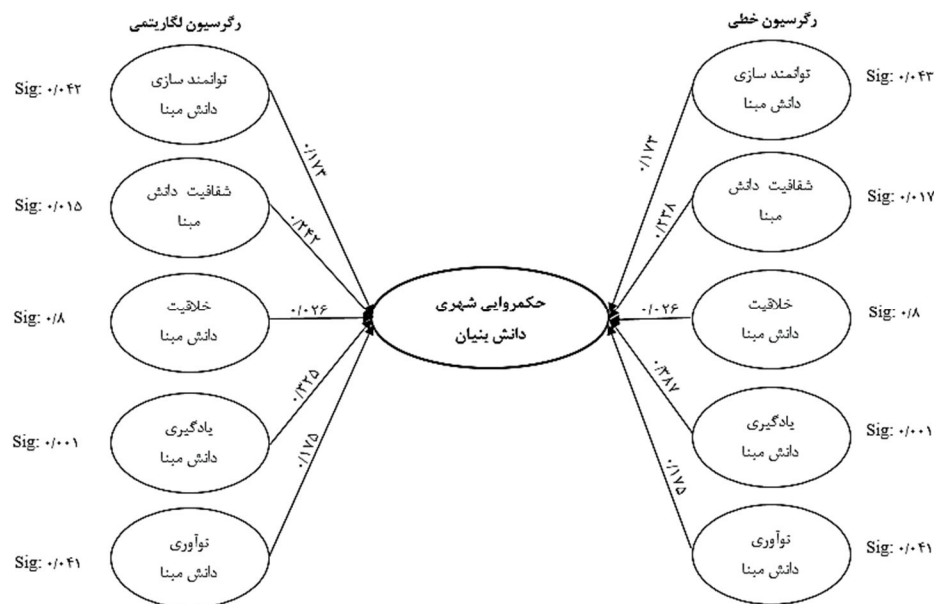
جدول ۷: متغیرهای بارگذاری شده در عامل پنجم

میزان آلفا	بار عاملی	انحراف از معیار	میانگین	متغیرهای شناسایی شده	۳ ۴ ۵
	۰/۵۸۹	۰/۷۵۰	۳/۶۸	خلق الگوها و بسترهای مبتنی بر دانش و اطلاعات جهت آگاهی شهروندان و سایر بخشهای ذی‌نفع شهری از قوانین و مقررات و این نامه‌های شهری	
	۰/۵۹۳	۰/۷۱۹	۳/۸۷	به روز رسانی و طبقه‌بندی اطلاعات متکی بر دانش جهت کمک به اصلاح ساختارهای متمرکز به سمت ساختارهای مشارکتی	
	۰/۵۲۸	۰/۹۱۹	۳/۲۷	سرانه هزینه‌های مربوط به تحقیق و توسعه در مدیریت شهری	
	۰/۵۵۸	۰/۸۳۲	۳/۵۶	به‌کارگیری سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید در جهت بهبود ارتباطات دوسویه مدیریت شهری با جامعه شهروندی و بخش خصوصی	
	۰/۵۹۹	۰/۷۵۸	۴/۰۱	حمایت از به‌کارگیری ایده‌ها و اختراعات و نوآوری‌های مبتنی بر علم و دانش در حل مسائل و نیازهای شهری	

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

بر دانش اشاره دارند. با دقت در میزان بار عاملی برای متغیرهای عامل پنجم مشخص می‌گردد که متغیر "حمایت از به‌کارگیری ایده‌ها و اختراعات و نوآوری‌های مبتنی بر علم و دانش در حل مسائل و نیازهای شهری" با میزان $0/599$ بیشترین گرایش را به نوآوری دانش مبنا در الگوی حکمروایی شهری برای مدیریت شهری کلان‌شهر تبریز دارد؛ همچنین نتایج به‌دست آمده برای سایر متغیرهای این عامل حاکی از آن است که نوآوری دانش مبنا نیز می‌تواند مؤلفه‌ای تأثیرگذار و استراتژیک در تحقق حکمروایی شهری دانش‌بنیان در فرایند مدیریت شهری کلان‌شهر تبریز قلمداد گردد.

با توجه به نتایج جدول ۶ و متغیرهای بارگذاری شده، عامل چهارم را می‌توان یادگیری دانش مبنا نام گذاری کرد، چرا که ۵ متغیر بارگذاری شده در این عامل با توجه به میزان همبستگی به‌دست آمده به صورت عمده به مبحث تحصیل و یادگیری اشاره دارند. در میان متغیرهای این عامل، متغیر "به کارگیری رویکردهای مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در فرایند مدیریت شهری" با میزان بار عاملی $0/598$ دارای بیشترین میزان گرایش به یادگیری دانش مبنا می‌باشد. نتایج جدول ۷ حاکی از آن است که متغیرهای شناسایی شده در عامل پنجم عمدتاً به نوآوری مبتنی



شکل ۴: نمودار تأثیر مؤلفه‌های شناسایی شده بر روی تحقق حکمروایی شهری دانش بنیان

به جز "خلاقیت دانش مبنا" (با سطح معناداری $0/8$)، می‌توانند در تحقق حکمروایی شهری دانش بنیان نقش مثبت داشته باشند.

نتیجه‌گیری

حکمروایی شهری به عنوان بارزترین تغییر ساختاری در راستای ارتقای رویکردهای سنتی و آماره مدیریت شهری به سمت رهیافت‌های مشارکت-مبنا و انعطاف‌پذیر است. به لحاظ اهمیت این رویکرد، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل و

در ادامه فرایند پژوهش در این قسمت اقدام به بررسی تأثیر مؤلفه‌های پژوهش در تحقق حکمروایی شهری دانش بنیان با استفاده از رگرسیون خطی و لگاریتمی پرداخته شد. نتایج این تحلیل‌ها در شکل ۴ نشان می‌دهد که "یادگیری دانش مبنا" با به‌دست آوردن بالاترین میزان همبستگی چندگانه و سطح معناداری قابل قبول می‌تواند بیشترین تأثیر را در رسیدن به حکمروایی شهری دانش بنیان در شهر تبریز داشته باشد. با دقت در نتایج شکل ۴ همچنین می‌توان دریافت که تمامی متغیرهای شناسایی شده

دستیابی به توسعه پایدار قلمداد شده است. جمعه‌پور و همکاران (۱۳۹۶) با بسط مفهوم و کارکرد دانش در راهبردهای توسعه شهری، اهمیت آن را در ایجاد صنایع خلاق، بهره‌مندی از توان تکنولوژی‌های برتر برای حل مسائل و چالش‌های شهری عنوان کرده‌اند. در اهمیت دانشی‌سازی توسعه شهری می‌توان این چنین اظهار کرد که فراگیر شدن آن، منجر به ظهور شهرهای خلاق و هوشمند در عصر حاضر شده است که خود نیازمند داشتن حکمروایی شهری در رویکرد دانشی آن به عنوان یک ایده جدید برای مدیریت این شهرهاست. با توجه به اهمیت مسئله در این پژوهش سعی گردید رویکرد حکمروایی شهری در قالب مدیریت دانش برای بسترسازی آن در کلان‌شهر تبریز مورد مطالعه قرار گیرد. در این بین نخستین اقدام شناسایی شاخص‌های حکمروایی شهری مبتنی بر رویکرد مدیریت دانش بود که نوآوری و برآزش مدل تحلیلی پژوهش را با توجه به نبود سابقه مشابه قبلی نشان داد؛ بنابراین با استفاده از مدل تحلیل‌عاملی اکتشافی اقدام به شناسایی پیشران‌های تبیین‌کننده این رویکرد گردید که مشخص شد پنج عامل توانمندسازی، شفافیت، خلاقیت، یادگیری و نوآوری دانش مینا با مجموع واریانس ۰/۷۱ به عنوان عوامل اصلی دانش‌بنیان کردن حکروایی شهری در کلان‌شهر تبریز مطرح هستند. در مرحله دوم سعی شد با توجه به عامل‌های شناسایی شده تاثیر هر عامل در تحقق حکمروایی شهری دانش‌بنیان با استفاده از رگرسیون خطی و لگاریتمی مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج این قسمت از پژوهش نشان‌دهنده این مهم بود که عامل خلاقیت دانش مینا با سطح معناداری پایین (۰/۸) نمی‌تواند تأثیر چشمگیری در تحقق حکمروایی شهری دانش‌بنیان در شهر تبریز داشته باشد ولی چهار عامل دیگر می‌توانند در این راستا بسیار تاثیر گذار باشند. در بین این عوامل، دو عامل "یادگیری دانش مینا" و "شفافیت دانش مینا" به ترتیب با میزان همبستگی ۰/۳۸۷ و ۰/۲۳۸ می‌توانند بیشترین تاثیر را در تحقق حکمروایی شهری دانش‌بنیان داشته باشند. پرواضح است که نتایج پژوهش می‌تواند معرفی‌کننده رویکرد

بانک جهانی تلاش فراوانی برای بسترسازی آن جهت مواجهه با چالش‌های توسعه به‌خصوص توسعه شهری در شهرهای کشورهای در حال توسعه کرده‌اند. سازمان ملل (۲۰۰۳)^۱ در پژوهش کلان خود درباره مشکلات و گره‌های توسعه در شهرهای کشورهای در حال توسعه، ترویج و بسترسازی حکمروایی شهری را به عنوان ایده‌ای موفق جهت مواجهه با این چالش‌ها دانسته است. علت اصلی این مسئله اتکاء عملکردی حکمروایی شهری بر اساس مؤلفه‌های متعالی همچون شفافیت، کارایی در حل مسئله، مشارکت و خرد جمعی در تصمیم‌گیری‌هاست. اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) با تأکید بر گذار از حکومت به سمت حکمروایی جهت اداره امور شهرها با ارزیابی پژوهش‌های متعدد این چنین اشاره کرده‌اند که این رویکرد مناسب‌ترین رهیافت برای مواجهه با تفرق‌های عملکردی و تفرق‌های ناشی از منافع در جهت رسیدن به مدیریت توسعه شهری در قالب ایده مشارکتی آن می‌باشد. از طرف دیگر امروزه با ورود به عصر جهانی سازی اتکاء به توانمندی‌های دانش مینا مسیر اصلی رسیدن به توسعه پایدار قلمداد می‌گردد. شاخصه اصلی این دوران اتکاء به رویکردهای دانش‌بنیان در رسیدن به ثبات و پایداری در شاخص‌های متعدد توسعه است. ییگیتسانلار^۲ و لآنکوویست^۳ (۲۰۱۳) معتقدند که تجهیز به مفاهیم دانش در عصر جهانی شدن می‌تواند موجبات رقابت‌پذیری شهرها از طریق دانشی کردن اقتصاد آنها و خلاقیت بخشیدن به فرایند تولید و توزیع منابع در گستره‌های فضایی شهر می‌تواند موجبات رونق ساختار فضایی آنها گردد. متاکسیوتیس^۴ و همکاران (۲۰۱۰) توسعه‌ای را دارای ساختاری پایدار و دائمی برای شهرها قلمداد کرده‌اند که بتواند با تجهیز بر مفاهیم دانشی و دانش‌بنیان کردن عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و حتی سیاسی به سیاست‌گذاری برای شهرها بپردازد. در حقیقت اهمیت دانش بنیان کردن توسعه مترادف با

1. United nation, 2003
2. Yigitcanlar
3. Lönnqvist
4. Metaxiotis

۹. حکمت نیا، حسن. میرنجف موسوی و علیرضا افشانی و محمد ملکی. ۱۳۹۶. بررسی و تحلیل حکمروایی خوب شهری در ایران. مورد مطالعه: شهر ایلام. آمایش جغرافیایی فضا. دوره هفتم، شماره بیست و چهارم، گلستان.

۱۰. روستایی، شهریور. بهزاد رنجبرنیا و محمدرضا پورمحمدی. ۱۳۹۷. تحلیلی بر عوامل مؤثر در توسعه پایدار شهری با تأکید بر شکاف دیجیتال با استفاده از روش میک مک فازی (مورد: تبریز ۲۰۱۸). پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. دوره پنجم، شماره چهارم، تهران.

۱۱. علیزاده، هادی. مرتضی نعمتی و کامران رضایی جعفری. ۱۳۹۴. تحلیلی بر معیارهای حکمرانی خوب شهری با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی فازی. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. دوره ششم، شماره بیست و چهارم، اصفهان.

۱۲. فیروزی، محمدعلی. هادی علیزاده. ۱۳۹۶. تحلیل و پیش‌بینی تحقق رویکرد حکمروایی شهری در مدیریت شهری اهواز. فضای جغرافیایی. دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، اهر.

۱۳. گروه مهندسان مشاور شهر و منظر. ۱۳۹۵. توسعه شهر هوشمند مبتنی بر مدیریت دانش و نوآوری. اولین سمپوزیوم بین‌المللی مدیریت دانش و نوآوری در شهر، ماهنامه تخصصی شهر و منظر. ۲۰ و ۱۹ دی ماه، تهران.

۱۴. لشکری، الهام. مهرشاد خلج. ۱۳۹۲. گذار از حکومت به حکمروایی شهری در فرایند توسعه شهری پایدار، نمونه موردی: کلان‌شهر تهران. اولین کنفرانس ملی معماری و فضاهای شهری پایدار. مشهد.

۱۵. مرکز آمار ایران. ۱۳۹۵. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت و خانوار شهرهای ایران به تفکیک استان.

۱۶. نجفی، حیدر. محمد اقدسی و بابک تیموریور. ۱۳۹۶. تدوین نقشه دانش برای پژوهش‌های مدیریت دانش با استفاده از روش تحلیل شبکه‌ای. مدیریت فن‌آوری اطلاعات. دوره نهم، شماره سوم، تهران.

17. Campbell, Tim. 2012. Beyond Smart Cities; how cities network, learn and innovate. London. Earth scan publication.

18. Carolis, Donna Marie. David Deeds. 1999. The impact of stocks and flows of organizational knowledge on firm performance: An empirical investigation of the biotechnology industry. Journal of

حکمروایی شهری از دیدگاه مدیریت دانش با توجه به شاخص‌های شناسایی شده در بهبود و ارتقاء عملکرد مدیریت شهری در کلان‌شهر تبریز باشد.

منابع

۱. اسکندری‌ثانی، محمد. ژیلا سجادی. ۱۳۹۳. گنش جمعی، توسعه اجتماعات محلی و نقش آن‌ها در کاهش فقر شهری مورد شناسی: نعمت‌آباد تهران. جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای. دوره چهارم، شماره یازدهم، سیستان و بلوچستان.

۲. اسماعیل‌زاده، حسن. لطفعلی کوزه‌گر و مهدی علیان و علی اصغر آدینه‌وند. ۱۳۹۵. فراتحلیلی بر پژوهش‌های حوزه حکمروایی شهری در ایران. برنامه ریزی و آمایش فضا. دوره بیستم، شماره دوم، تهران.

۳. ایزدیان، زینب. بیژن عبداللهی و مراد کیانی. ۱۳۹۲. مدیریت دانش، الگوی جهت مدیریت شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک‌های علم و فناوری. رشد فناوری. دوره دهم، شماره سی و هفتم، تهران.

۴. برک‌پور، ناصر. ایرج اسدی. ۱۳۸۹. مدیریت و حکمروایی شهری. چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.

۵. بمانیان، محمدرضا. هادی رضایی‌راد و امیر مهردادیان. ۱۳۹۰. سنجش اثرات مهاجرت به عنوان مهم‌ترین عامل در تشخیص گستره فقر شهری سکونتگاه‌های غیر رسمی با استفاده از GIS (مطالعه موردی: شهر کاشمر). آمایش محیط. دوره چهارم، شماره پانزدهم، ملایر.

۶. پایگاه اطلاع رسانی شهرداری تبریز، ۱۳۹۵.

۷. جمعه‌پور، محمود. شهاب‌الدین عیسی‌لو و وحید گودرزی و بهزاد دوستی سبزی. ۱۳۹۶. تدوین راهبردهای توسعه شهری با رویکرد توسعه دانش‌بنیان (مورد مطالعه: شهر اراک). اقتصاد و مدیریت شهری. دوره پنجم، شماره بیستم، تهران.

۸. حقی، محبوبه. مرتضی راستی برزکی و حمید مهدوی. ۱۳۹۳. رتبه‌بندی عوامل مؤثر در موفقیت اجرای مدیریت دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان مطالعه موردی شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان. رشد فناوری. دوره یازدهم، شماره چهل و یکم، تهران.

- Megacities our global urban future. Springer publication, New York.
29. Li, Feng. Rusong Wang & Juergen Paulussen & Xusheng Liu. 2005. Comprehensive concept planning of urban greening based on ecological principles: a case study in Beijing, china. Land scape and urban planning. 72: 4, Netherlands.
 30. Lieberthal, Kenneth. David Lampton. 1992. Bureaucracy, politics and decision-making in post-Mao China. Berkeley, University of California Press.
 31. McCann, Eugene. Kevin Ward. 2011. Mobile Urbanism. University of Minnesota Press, Minneapolis.
 32. McFarlane, Colin. 2011. Learning the City, Knowledge and Trans-local Assemblage. , London, Wiley-Blackwell Sussex University press.
 33. McNabb, David. 2009. The New Face of Government, How Public Managers Are Forging a New Approach to Governance. American Society for Public Administration Series in Public Administration and Public Policy. CRC press.
 34. Metaxiotis, Kostas. Francisco Javier Carillo & Tan Yigitcanlar. 2010. Knowledge-based development for cities and societies: integrated multi-level approach. Hershey, New York Information science reference.
 35. Muthuveloo, Rajendran. Narendran Shanmugam and Ai Ping Teoh. 2017. The impact of tacit knowledge management on organizational performance: Evidence from Malaysia. Asia Pacific Management Review. 11: 4, Taiwan.
 36. Obeng-Odoom, Franklin. 2012. On the origin, meaning, and evaluation of urban governance. Norsk eografisk Tidsskrift - Norwegian Journal of Geography. 66: 4, Norway.
 37. Piere, Jon. 2014. Can urban regime travel in time and space? Urban regime theory, urban governance theory, and comparative urban politics. Urban Affairs Review. 50: 6, United States.
 38. Rakodi, Carole. 2003. Politic and performance: the implication of emerging governance arrangement for Strategic Management. 20: 10, United States.
 19. Carrillo, Francisco Javier. 2004. Capital cities: a taxonomy of capital accounts for knowledge cities. Journal of Knowledge Management. 8: 5, United Kingdom.
 20. Donate, Mario. Jesus de Sánchez de Pablo. 2015. The role of knowledge-oriented leadership in knowledge management practices and innovation. Journal of Business Research. 68: 2, Netherlands.
 21. Foss, Nicolai. 2007. The Emerging Knowledge Governance Approach: Challenges and Characteristics. Journal of Organization. 14: 1, United Kingdom.
 22. Fu, Qiang. 2018. Bringing urban governance back in: Neighborhood conflicts and depression. Social Science & Medicine. 196: 17, United Kingdom.
 23. Haus, Michael. Jan Erling Klausen. 2010. Urban leadership and community involvement: ingredients for good governance. Urban Affairs Review. 47: 2, United States.
 24. Hordijk, Michaela. Isa Baud. 2006. The role of research and knowledge generation in collective action and urban governance: How can researchers act as catalysts? Habitat International. 30: 3, United Kingdom.
 25. Huhn, Uta. Birgit Neuer. 2006. New urban governance: Institutional change and consequences for urban development. European planning studies. 14: 3, United Kingdom.
 26. Kedogo, Joseph. Simone Sandholz & Johannes Hamhaber. 2010. Good urban governance, actors' relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil. Good urban governance in Nairobi and Recife. 46th ISOCARP Congress, Kenya.
 27. Kooiman, Jan. Maarten Bavinck & Ratana Chuenpagdee & Robin Mahon & Roger Pullin. 2008. Interactive Governance and Governability: An Introduction. Journal of Trans disciplinary Environmental Studies. 7: 1, Netherlands.
 28. Kraas, Frauke. Surinder Aggarwal & Martin Coy, & Gunter Mertins. 2014.

- rooted in a long history. Draft of Chapter 1 Knowledge Horizons: The Present and the Promise of Knowledge Management Edited by Daniele Chauvel & Charles Despres. United Kingdom. Butterworth-Heinemann press.
44. World Health Organization (WHO). 2017. Global Health Observatory (GHO) data. http://www.who.int/gho/urban_health/situation_trends/urban_population_growth.
45. Yigitcanlar, Tan. Kevin O'Connor and Cara Westerman. 2008. The making of knowledge cities: Melbourne's knowledge-based urban development experience. *Cities Journal*. 25: 2, United Kingdom.
46. Zack, Michael. James McKeen and Satyendra Singh. 2009. Knowledge management and organizational performance: An exploratory survey. *Journal of Knowledge Management*. 13: 6, United Kingdom.
47. Zielke, Philipp. Michael Waibel. 2014. Comparative urban governance of developing creative spaces in China. *Habitat International*. 41: 14, United Kingdom.
- urban management approaches and information system. *Habitat international*. 27: 4, United Kingdom.
39. Schwab, Brigitte. Daniel Kubler & Sonja Walti. 2001. Metropolitan governance and democracy in Switzerland, An attempt of operationalization and an empirical assessment. governance and democratic legitimacy at the 29th conference. Switzerland.
40. United Nations Department of Economic and Social Affairs (Population Division). 2016. The World's Cities in 2016 Data Booklet.
41. Van Marissing, Erik. Gideon Bolt & Ronald Van Kempen. 2006. Urban governance and social cohesion: effects of urban restructuring in two Dutch cities. *Cities journal*. 23: 4, United Kingdom.
42. Van Winden, Willem. Leo Van den Berg & Peter Pol. 2007. European Cities in the Knowledge Economy: Towards a Typology. *Urban studies*. 44: 3, United Kingdom.
43. Wiig, Karl Martin. 1999. Knowledge management: an emerging discipline

